



شورای عالی خبرگان
جمهوری اسلامی ایران



نقش و آثار شرکت اقتصادی اسلامیه در اندیشه خودکفایی

افزون بر نقش مرحوم آقا نجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی در حمایت از مشروطه مشروع، باید به تلاش آنها در زمینه ترویج کالاها و منسوجات وطنی و ترک امتعه فرنگی، و فراتر از آن ایجاد خودکفایی اقتصادی، اشاره کرد که تأسیس «شرکت اسلامی» در سال‌های بعد از مشروطه، گامی بلند و راهبردی در این راه بود که با پشتیبانی علما و مراجع وقت مواجه شد، و به همان میزان، خشم سرمایه‌داری غرب را به همراه داشت.

در همین زمینه مصاحبه پیش رو با آقای مصطفی مرتضوی کارشناس ارشد علوم سیاسی انجام شده است.

ضمن تشکر از جناب عالی، لطفاً بفرمایید، هدف از تشکیل شرکت اسلامیة توسط علمای اسلام چه بوده است؟

شرکت اسلامیة در حوالی سال‌های ۱۳۱۶ق / ۱۸۹۸م از طرف انجمن بازار بنیانگذاری شد. این شرکت که از خرید و فروش کالاهای خارجی منع شده بود، تسهیلاتی را در اردستان پدید آورد و پارچه‌هایی بافت که به پارچه‌های اسلامی، معروف شد. این شرکت از طبقات علمای اعلام و امراء کرام و تجار ذوی‌الاحترام و کسبه از خواص و عوام با انتشار یک کرور سهام که به هزار سهم ۱۰ تومانی تقسیم شده بود تشکیل گردید. محل اصلی آن در اصفهان بود ولی شعبه‌هایی در شهرهای تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و حتی در خارج از کشور تأسیس نمود. از اهداف مهم شرکت اسلامیة، تشویق مردم به استفاده از کالاهای وطنی و کنار گذاشتن «امتعه خارجی» بود. در این میان، علما در حمایت از شرکت، نقش مهمی را ایفا می‌کردند. چنانکه در این قضایا وزیر مختار انگلستان در نامه‌ای به امین‌السلطان از بازگشت آقا نجفی به اصفهان شاکی است و معتقد است که حضور او در این شهر با توسعه شرکت‌های خارجی در این شهر، منافات دارد و این ترس هم بی‌مورد نبود زیرا در گزارشی که چارلز مارلینگ به میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران می‌نویسد، از دخالت علما در امور اقتصادی شکایت کرده و می‌نویسد: علمای اصفهان در تلاشند تا نگذارند امتعه اروپایی به فروش برسد. و به خریداران مهم ایرانی اخطار کرده‌اند که در مدت چهار ماه محاسبات خود را با تجارتخانه‌های اروپایی قطع کنند. و در ادامه از وزیر خارجه ایران می‌خواهد که ایشان احکامی را به کارگزاران اصفهان صادر کرده و از اقدامات فتنه انگیز این اشخاص جلوگیری کند.

تأثیرات شرکت اسلامیة چه بوده است و محوریت تأسیس این شرکت در اصفهان حاوی چه پیامی است؟

در حالی که خواست علمای اصفهان این بود که با حمایت از شرکت اسلامیة و تولید داخلی دست خارجی‌ان را از امور اقتصادی ایران کوتاه کنند و برای حمایت از صنایع داخلی تا آن‌جا پیش رفتند که استفاده از کاغذ خارجی و حتی پارچه فرنگی برای کفن اموات را حرام اعلام کرده و تأکید کردند که بر چنین جنازه‌های نماز نخوانند خواند و تلاش کردند که مردم را تشویق کنند که از لباس‌های ایرانی و ساخت داخل استفاده نمایند. و این نمونه کارها در تاریخ ایران سابقه‌چندانی نداشت و اگر در آن روزگار، این تفکر که علمای اصفهان و در رأس آنها آقا نجفی به تبلیغ آن می‌پرداخت نهادینه شده بود شاید اوضاع اقتصادی ایران به

گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

هر چند آقا نجفی و دیگر علمای بلاد نیز می‌دانستند، تا زمانی که تولیدات داخلی نتواند نیازهای مردم را رفع کند، به هر حال کالای خارجی مشتری خواهد داشت. لذا، تلاش نمودند از یک طرف مانع ورود کالا شوند و از سوی دیگر، با دعوت مردم به مشارکت در ایجاد کارخانه‌های مختلف از جمله نساجی نیازهای داخلی را بر طرف کنند.

در تاریخ اصفهان مشاهده می‌شود که آقانجفی گاهی کالاهای روسی و گاهی انگلیسی را تحریم کرده است. این تحریم‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد علمای اصفهان از نخستین گروه‌های نخبه ایرانی بودند که متوجه شدند دنیای جدید بر اساس منافع اقتصادی پایه‌ریزی شده است و دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به دنبال منافع اقتصادی هستند. لذا، با توجه به این آگاهی بود که با اعلام تحریم علیه تولیدات و نهادهای اقتصادی آنان، تلاش کردند در مقابل زیاده‌خواهی‌های سیاسی آنها بایستند. چنان‌که وقتی قضیه اولتیماتوم روس‌ها به مجلس ایران مطرح شد، علمای اصفهان، معامله با بانک استقراضی روس و استفاده از قند و شکر و چای روسی را تحریم کردند. که این اعلامیه با امضای محمد تقی نجفی در ۶ ربیع‌الآخر ۱۳۲۹ ق. صادر و در شماره ده روزنامه زاینده‌رود در ربیع‌الآخر ۱۳۲۹ ق به چاپ رسید. این امر نشان می‌داد که بر خلاف سیاستمداران آن روزگار، که بخشی در جناح طرفداران روس بودند و بخش دیگر در گروه طرفداران انگلیس، آنان تلاش می‌کردند در جناح مردم ایران و استقلال سیاسی و اقتصادی آن باشند. انصافاً مردم هم از تاجر بزرگ گرفته تا مردم کوچک و بازار به این احکام احترام می‌گذاشتند و از علمای خود حمایت می‌کردند، این گونه حرکات استقلال طلبانه که توسط علما صورت می‌گرفت دارای چنان اهمیتی بود که روزنامه‌های خارجی و داخلی نمی‌توانستند آن را نادیده گرفته، به راحتی از آن بگذرند، چنان‌که روزنامه جبل‌المتین در این باره نوشت: «رؤسای روحانی ملت و امر دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و درصدد ارتقاء بدان مدارج عالی، برآمده‌اند. اگر نام مبارک حجت‌الاسلام آقا نجفی را سر آغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم شایسته و سزااست...»

اعلامیه‌ای که علما جهت تقویت اقتصادی ملی و خودکفایی صادر کرده‌اند، حاوی چه پیام‌هایی برای امروز ماست؟

به نظر می‌رسد، علما را باید در زمره نخستین گروه‌های اجتماعی ایران دانست که فهمیدند، مردمی که خاک، آب و منابع فراوان دارند اگر نتوانند نیازهای اولیه و ثانویه خود



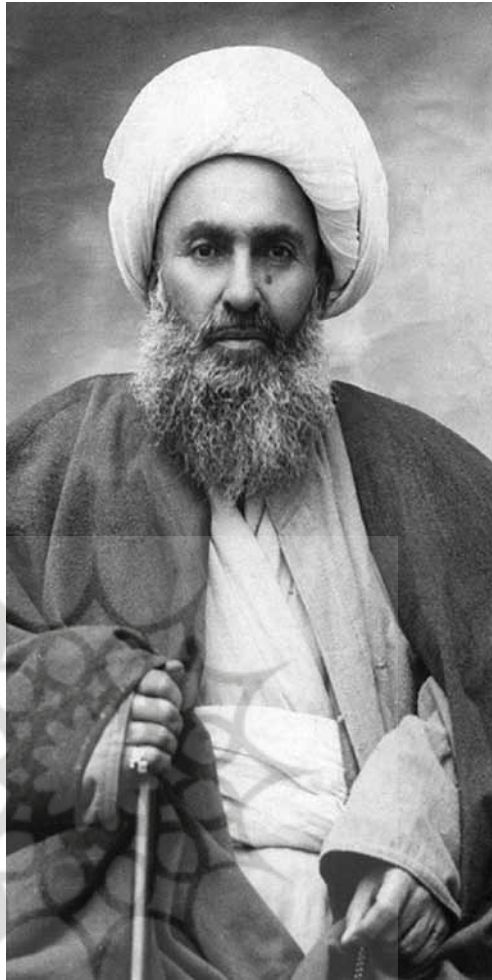
حرف علما در این زمینه نهادینه شده بود، و همانطور که در بسیاری از بیانیتهای علما در آن روزگار دیده می‌شود، فعالیت اقتصادی سازنده در حکم جهاد تلقی شده بود، شاید امروز، روزگاری دیگر داشتیم، هر چند هم امروز هم اگر ایرانیان به جای مصرف انبوه کالاهای خارجی اقدام به تولید و مصرف تولیدات بومی خود می‌کردند، با توجه به امکانات فراوانی که خداوند در این سرزمین قرار داده است، می‌توانستیم یکی از مهمترین کشورهای منطقه باشیم.

همانطور که می‌دانید نقش آفانجفی که از شاگردان میرزای شیرازی بودند در قضیه تحریم تنباکو بسیار محوری بوده است. تحرکات اصفهان مقدمه‌ای بر نهضت تحریم تنباکو بوده است. درباره جایگاه اصفهان و شکل‌گیری نطفه تحریم و تسری آن به سایر شهرها کمی بر ایمان بگویید.

به هر حال، روحانیت شیعه از مهمترین پناهگاههای مردم در روزهای سخت بودند. بخصوص در مبارزات ضداستعماری و ضد استبدادی در دو بیست سال گذشته به خوبی این وظیفه را انجام داده‌اند. زمانی که برای نخستین بار در سفری که ناصرالدین شاه به فرنگ داشت امتیاز توتون و تنباکوی ایران را به ثمن بخش به اروپاییان بخشید و این قضیه توسط روزنامه اختر افشا شد این سید جمال الدین اسدآبادی و میرزای شیرازی بودند که علیه حضور و نفوذ غاصبانه افراد کمپانی (انگلیسی‌ها) به پا خواستند و تا فتوای تحریم توتون و تنباکو پیش رفتند.

زیرا در این قضیه سه گروه تنباکو کاران، تجار، خرده فروشان و مصرف کنندگان درگیر شده بودند. و چون این امتیاز موجب می‌شد که خارجی‌ان در همه سطوح ایران نفوذ پیدا کنند.

ولی نکته قابل تأمل این که، اگر علما و روحانیون دیگر شهرهای ایران از این فتوا و مبارزه حمایت نمی‌کردند؛ مسلماً این مبارزه به سرانجام نمی‌رسید. درست است که تجار در زمره اولین گروههایی بودند که بحران را دریافتند ولی جز با حمایت روحانیون که رهبری مردم را در اختیار داشتند امکان مردمی کردن مبارزه وجود نداشت. چنان که علمای اصفهان نیز با حمایت از فتوای میرزای شیرازی و بسیج مردم توانستند حکومت خودکامه قاجاری را تحت فشار قرار دهند. هر چند برخی معتقدند که با توجه به این که اصفهان یکی از مهمترین مراکز اقتصادی ایران بوده که تحت نفوذ انگلیسی‌ها قرار داشت، لذا داستان مبارزه با انگلیسی‌ها و نفوذ اقتصادی آنان نیز قبل از تهران از اصفهان شروع شده و در این میان رهبری حرکت با مرحوم آقا نجفی اصفهانی بوده است. و در این میان، کارگزاران دولت ناصری نیز، که با



را برآورده کنند در این صورت، نخواهند توانست در حوزه سیاسی و اعتقادی نیز اعلام استقلال کنند، آنان نخستین کسانی بودند که متوجه شدند به لحاظ اعتقادی اگر قرار باشد از کفن مردم گرفته تا قند و چایی و دیگر نیازها را روس و یا انگلیس تأمین کنند در این صورت ملت مستقل اسلامی دیگر معنا نخواهد داشت. و به لحاظ اقتصادی ورود کالاهای خارجی به ایران موجب شده بود که صنایع بومی ایران ورشکسته شده و شاغلین در این صنایع بیکار شوند، که بعضاً بخشی از آنان برای یافتن شغل، آواره شهرهای صنعتی روسیه شدند. و عده دیگری که امکان این کار را نداشتند به صورت مردان و زنان خلافکاری در آمدند که برای تأمین نیازهای خود به دزدی و راهزنی می‌پرداختند. به هر حال نفوذ صنایع خارجی در ایران حاصلش، وابستگی اقتصادی به واردات و در نتیجه ورشکستگی صنایع و کارگاههای دستی بومی ایران بود. شاید اگر در آن روزگار استبداد داخلی و وابستگان خارجی دولت‌های بیگانه در ایران، در سر راه توسعه ایران کارشکنی نکرده بودند و

جهت مقابله با نفوذ اقتصادی بیگانگان چگونه برآورد می‌کنید؟

به هر حال، بسیاری از علمای اصفهان از جمله مرحوم آقا نجفی و حاج آقا نورالله را باید در زمره کسانی دانست که نسبت به روزگار خود افق‌های دورتری را می‌دیدند. آنان بر خلاف عقاید خرافی بسیاری از مردم که فکر می‌کردند، شرایط موجود تقدیر الهی است و باید آن را پذیرفت، در جهت نهادینه کردن این اندیشه بودند که باید برای مبارزه با جهل، فقر و ظلم به پا خواست و وارد میدان عمل شد. آنان معتقد بودند که خداوند وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که خود آن مردم به پا خیزند. و در این میان نقش و جایگاه علما را خاص و ویژه می‌دانستند. و به همین دلیل است که در همه میادین حضور داشتند. حرف حق مردمی را که از ترس جرأت بیان آن را نداشتند با جسارت تمام می‌گفتند البته هزینه آن را نیز قبول می‌کردند. زیرا حکومت استبدادی و استعماری خارجی نیز از ابزارهای فراوانی برای مبارزه با این دسته از علما سود می‌برد. ولی به هر حال چون اغلب این روحانیون به آب و نان دربار وابسته نبودند لذا دولت نمی‌توانست آنها را به واسطه نیازهای فردی تحت فشار قرار دهد و آقا نجفی نیز از این امکان اتفاقاً در جهت عکس استفاده می‌کرد و با پناه دادن به کسانی که از طرف حکومت مرکزی و یا حاکم اصفهان تحت تعقیب قرار گرفته بودند، اجازه نمی‌دادند زمره عدالت خواهی خاموش شود. به گونه‌ای که حتی اعضای خانواده قاجار نیز برای نجات از ظلم این افراد در خانه آقا نجفی بست می‌نشستند. آقا نجفی آرزو داشت که «به حسن اهتمام علما اعلام و توجه اسلامیان، موجبات رواج صنایع و امتعه اسلامیّه زیاده بر این یوما فیوما در ترقی و شیوع بشود چنانکه در اصفهان و توابع، لباس اغلب مسلمانان از همین منسوجات و امتعه اسلامیّه باشد...» آنان با پوشیدن لباس‌های بافت داخل تلاش می‌کردند فرهنگ مصرف کالاهای خارجی را از بین ببرند. و تصور می‌کنم اگر چنین افکاری توانسته بود در جامعه ایران ریشه بدواند یعنی اقتصاد و دین به هم گره بخوردند به گونه‌ای که کار عبادت تلقی شود و خدمت به اقتصاد ملی حکم جهاد داشته باشد کاری که علمای اصفهان در پی آن بودند امروز، به جای این که وارد کننده اغلب کالاهای مصرفی باشیم و بیکاری در کشور ما به دلیل رکود اقتصادی به بحران تبدیل شود، ما توانسته بودیم حداقل ژاپن خاورمیانه باشیم. ولی حیف که وابستگی به پول نفت و مصرف آن موجب شده است که علی‌رغم تلاش و خون دل خوردن علمایی مانند آقا نجفی‌ها و آقا نورالله‌ها و مدرسه‌ها ... صنایع داخلی ما در حد اقل ممکن باشند. با امید روزی که با باز خوانی تاریخ، و درس گرفتن از آن راه درست را پیدا کنیم.

گرفتن پول از کمپانی خود را موظف به اجرای آن می‌دانستند خواسته و ناخواسته در مقابل روحانیون اصفهان قرار گرفتند و طی نامه‌ای تهدید آمیز از آنان بویژه حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی خواستند که پای خود را از این قضیه بیرون بکشد وگرنه باید از شهر اصفهان اخراج شود. این تهدیدها موثر نیفتاده و روحانیون اصفهان و در راس آنها آقا نورالله و آقا نجفی همچنان بر الغای امتیازنامه اصرار داشتند. و حتی زمانی که دولت در صدد برآمد که حکم تحریم صادره از سوی میرزای شیرازی را جعلی نشان دهد ولی مرحوم آقا نجفی با فرستادن فردی به نام شیخ علی محمد دهقانی به سامره، حکم تحریم کشیدن قلیان را از مرحوم میرزای شیرازی دریافت کرده به ایران آورد. و توانست در مقابل تبلیغات دولت استبدادی قاجار که هم سو با دولت خارجی عمل می‌کرد بایستد و حرف خود را بر کرسی بنشانند.

نقش تحریم تنباکو را که یک نهضت اقتصادی بوده است در کلیات سیاسی ایران چگونه تحلیل می‌کنید؟

تقریباً اغلب کسانی که در باره انقلاب مشروطه ایران تحقیق کرده‌اند، بر این نکته متفق القولند که واقعه رژی یکی از مهمترین علل بروز و ظهور انقلاب بوده است زیرا برای اولین بار ایرانیان در واقعه رژی متوجه شدند که نظام خودکامه قاجاری غیر قابل شکست نبوده و مردم ایران با همدلی و رهبری مناسب قادرند که این حکومت را وادار کنند تا به خواسته آنان تن در دهد. برای نخستین بار واقعه رژی بود که قدرت دین و مرجعیت شیعه در مدیریت و رهبری مردم را به نمایش گذاشت. برای نخستین بار بود که روحانیت، تجار و مردم در یک جبهه واحد قرار گرفته و به مبارزه با استبداد و استعمار پرداختند و به نتیجه مطلوب نیز رسیدند. و در واقعه رژی بود که دیگر ایالات و ولایات ایران مانند اصفهان و شیراز با پیروی از علمای خود توانستند، حکومت مرکزی را به چالش بگیرند و علمای بلاد نقش خود را به نحو احسن در این زمینه ایفا کردند. و از طرف دیگر، دول استعمار گر هم متوجه شدند که بزرگترین گروهی که می‌تواند در مقابل منافع آنان بایستد، علمای دینی هستند. لذا، با حمایت از جریان‌های انحرافی و گروههای مخالف مذهبی تلاش نمودند که نقش علما و دین را کم رنگ کنند. آنان سعی کردند با محدود کردن دین در حوزه اخلاق و انجام تکالیف شرعی، مانع از حضور دین و علما در میدان مبارزات سیاسی و اقتصادی شوند.

شکی نیست که در آن برهه، مرحوم آقانجفی به عنوان مجتهد طراز اول حوزه کهن اصفهان مطرح بودند. عملکرد آقانجفی را در زمینه اقتصادی و تلاش‌های ایشان را در

